

خلیج فارس از وضع موجود تا وضع مطلوب

منطقه خلیج فارس نه تنها از نظر قرارگیری بیشترین ذخائر نفت و گاز جهان در آن، بلکه از جهات مختلف دیگر، یکی از مهم‌ترین مناطق جهان است. متأسفانه در طول تاریخ معاصر جهان، همواره روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس به گونه‌ای بوده است که مانع از بازیابی مطلوب جایگاه و اهمیت این منطقه و بازگشت همه ارزش‌های آن به کشورهای اطراف خلیج فارس شده است.

از میان هشت کشور ساحلی خلیج فارس، شش کشور در حاشیه جنوبی و غربی و دو کشور در حاشیه شمالی قرار دارند، که البته از این میان کشور عراق مرز بسیار محدودی با خلیج فارس دارد. شش کشور واقع در حاشیه جنوبی و غربی در زمان جنگ خانمان برانداز عراق علیه ایران، شورش‌های همکاری کشورهای خلیج فارس را تشکیل دادند و از اتحادی نسبتاً قوی‌تر برخوردارند. اما حتی آنها هم نتوانسته‌اند رقابت‌ها و تضادها را کنار بگذارند و به سطح مطلوبی از همکاری دست یابند.

اگر کشورهای منطقه می‌توانستند مشکلات جهانی خود را حل کنند، خود را از تضادها و درگیری‌های بی‌ریشه و اساس و کم‌اهمیت نجات دهند و تعادل و منطوق و بعضاً استقلال واقعی را به سیاست خارجی خود برگردانند، هم‌افزایی توانایی‌های بالفعل و بالقوه آنها می‌توانست ارزش‌های بزرگی را برای همه‌شان در پی داشته باشد.

اثر چنین هم‌افزایی‌ها می‌تواند در عرصه‌های مختلفی مانند صنعت، صنعت توریسم، شبلات و آبیان و بسیاری زمینه‌های دیگر، توسط اهل فن مورد بررسی قرار گیرد و ما در این نوشتار صرفاً به ذکر مواردی در حیطه مباحث انرژی محدود می‌شویم و مواردی را ذکر می‌کنیم،

۱- در سطح منطقه خلیج فارس، و خصوصاً در آب‌های آن، تعداد زیادی میادین مشترک خصوصاً به صورت مشترک میان ایران و بقیه وجود دارد. کشور ایران با عربستان حداقل در سه میدان (اسفندیار)، (فروزان) و (فرزاد)، مشترک است که این سه میدان در سمت عربستان به ترتیب به نام‌های (لولؤ)، (مرجان) و (حصبه) شناخته می‌شوند. با قطر میدان مشترک عظیم پارس جنوبی وجود دارد که قطری‌ها آن را (گنبد شمالی) می‌نامند. شاید لایه گازی این میدان به اندازه کافی عظیم باشد که دو طرف مستقلاً از آن بهره‌برداری کنند، اما این میدان دارای یک لایه نفتی نیز هست. علاوه بر این، میدان (رشادت) ایران نیز با قطر مشترک است که در آن سو (الخلیج) نامیده می‌شود. با امارات حداقل چهار میدان مشترک به نام‌های (سلمان)، (فرزام)، (نصرت) و (مبارک) وجود دارد که اولی دارای دو لایه نفتی و گازی است و در آن سو (ابوالخوش) نامیده می‌شود. (فرزام) ما در آن سو (فلاح) و (نصرت) ماه (فاتح) نامیده می‌شود. حوزه (مبارک) تنها موردی استثنایی است که از گذشته به صورت مشترک بین دو کشور بهره‌برداری شده است. با کشور عمان نیز میدان مشترک نفتی (هنگام) وجود دارد که در آن سو (بخای غربی) نامیده می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد از گذشته، غیر از یک مورد، همه مخازن مشترک (در منطقه خلیج فارس) به صورت جداگانه توسط کشورهای ذینفع مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در خارج از این منطقه، در بسیاری از موارد، بهره‌برداری‌ها با همکاری مشترک طرف انجام شده است. از جمله در دریای شمال، بسیاری از میادین به صورت مشترک با همکاری دو کشور نروژ و انگلستان مورد بهره‌برداری قرار گرفته و صرفه‌جویی‌های قابل توجه و نیز بازیافت بیشتر را به دنبال داشته است. در خلیج فارس در اغلب میادین مشترک، دو طرف در رقابت بهره‌برداری با یکدیگر، چه بسا به تولید غیر صیانتی از مخزن پرداخته‌اند، چرا که تولید صیانتی قطعاً مستلزم مدیریت یکپارچه مخزن است.

اگر مخازن به صورت مشترک مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، در بسیاری از موارد می‌توانست از یک سو کاهش هزینه‌های حفر چاه و ساخت سکوها و تأسیسات را در پی داشته باشد و از سوی دیگر با صیانتی شدن تولید، عایدات هر دو طرف را افزایش دهد. شاید انجام یک مطالعه جامع در این زمینه، که هزینه-فایده مدل بهره‌برداری فعلی را با مدل مطلوب در مورد میادین مشترک مقایسه نماید، بتواند محاسن همکاری و مشارکت را آشکار نماید و زمینه همکاری‌های آتی را با کشورهای مقابل فراهم نماید.

انجام مطالعه دقیق در مورد وضعیت تاریخی بهره‌برداری از میادین مشترک، خصوصاً وضعیت صیانت در نحوه بهره‌برداری کنونی و برآورد خساراتی که ممکن است با ادامه وضعیت موجود و تولید رقابتی و غیر صیانتی به میادین مشترک وارد شود، می‌تواند زمینه و مستندات خوبی را برای گفت‌وگو با کشورهای مقابل فراهم آورد.

هم اکنون میدان (آرش) به صورت مشترک میان سه کشور ایران و کویت و عربستان وجود دارد. این میدان که در آن سو (الدوره) نامیده می‌شود، هنوز توسط هیچ کدام از ذینفعان مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

البته مشکل تعیین و تحدید حدود مرزی، برای بهره‌برداری جداگانه کشورهای مانع ایجاد می‌کند، اما توافق در زمینه بهره‌برداری مشترک می‌تواند این مشکل را دور بزند و همه را سریع‌تر منتفع کند. با توجه به این که این میدان هنوز توسط هیچ کدام از طرفین بهره‌برداری نشده است، ایران می‌تواند بررسی‌های لازم را جهت توسعه مشترک میدان انجام دهد و در صورت منطقی بودن آن، برای این منظور پیشقدم شود و زمینه همکاری خوبی را میان سه کشور فراهم آورد.

۲- در حال حاضر اغلب کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیازمند گاز و بعضاً متقاضی گاز ایران هستند. وضعیت سیاسی و عملکردهای نامتعادل عملاً مانع پیشرفت همکاری در این زمینه شده است. اما کشورهای جنوب خلیج فارس، گاز را برای دو منظور نیاز دارند، بعضاً برای تزریق به مخازن نفتی جهت افزایش بازیافت نفت و عمدتاً برای استفاده در نیروگاه‌ها برای تولید برق. بنابر این به دو مقوله تجارت برق و گاز با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس می‌توان به صورت توأمان نگاه کرد. در این زمینه می‌توان مطالعه‌ای به صورت مشترک میان کشورهای منطقه انجام داد که در آن به جمیع جهات توجه شده باشد، از جمله، مقایسه تطبیقی هزینه‌های انتقال برق و گاز، تلفات انتقال برق و غیره و این که آیا تبدیل گاز به برق در ایران و انتقال آن به آن‌سو خلیج فارس اقتصادی‌تر است یا انتقال گاز به جنوب و تبدیل آن به برق در همانجا؟ نتیجه چنین مطالعه‌ای می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌های مشترک جذابی را تعریف نماید.

در مورد همکاری‌های برق و گاز در خلیج فارس، این نکته نیز قابل توجه است که به دلیل تنوع بیشتر اقلیمی ایران نسبت به کشورهای جنوب آن، نقاط حداقل و حداکثر مصرف برق و گاز در شمال و جنوب خلیج فارس، کاملاً متفاوت و بلکه معکوس است و لذا همکاری در این زمینه و متصل کردن شبکه‌ها به یکدیگر، صرفه‌جویی‌های قابل توجهی را در ظرفیت‌سازی تولید به وجود آورده و نیز امکان حداکثر استفاده از ظرفیت‌های تولید و شبکه‌های حمل انرژی را فراهم می‌کند.

۳- ده‌ها سال است که همه ساله سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در توسعه نفت و گاز کشورهای منطقه انجام می‌شود و حجم بزرگی از خدمات پیمانکاری نفتی به کار گرفته شده و تجهیزات مربوطه مصرف می‌شود و از این پس نیز خواهد شد. کشورهای منطقه در یک همکاری جمعی می‌توانستند بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مشترک را در این زمینه انجام دهند؛ بسیاری از این نیازها را با همکاری یکدیگر تأمین کنند؛ روز به روز وابستگی خود را به تأمین این‌گونه خدمات و تجهیزات از خارج از منطقه کمتر کنند؛ از این طریق فرصت‌های شغلی فراوانی را برای مردم خود به وجود آورند و هزینه‌های توسعه را بسیار کاهش دهند.

۴- پتانسیل‌های انرژی منطقه به نفت و گاز محدود نمی‌شود. کشورهای اطراف خلیج فارس در میان انرژی‌های نو که امروز مورد توجه جهانیان است، حداقل در انرژی خورشیدی موقعیت ممتاز دارند که می‌توانند در یک همکاری جمعی این پتانسیل بالقوه خود را برای تأمین برق خورشیدی مورد نیاز جهان به فعلیت درآورند.

اگر روزی شرایط بهتری فراهم شود، کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای قدرتمندتر آن، می‌توانند با تغییر نگرش سنتی خود، و با به‌کارگیری سیاست‌های منطقی و پایدار و با ابزارهای قوی دیپلماتیک، روند جدیدی را در منطقه پایه‌گذاری نموده و دنبال کنند.